

# فضیلت

بررسی‌های اخلاقی و معرفت‌شناختی

هتر باتلی

ترجمهٔ امیرحسین خداپرست



## فضیلت

بررسی‌های اخلاقی و معرفت‌شناختی

Heather Battaly

**Virtue**

Polity, 2015

---

سرشناسه: باتلی، هیتر دی، ۱۹۶۹ - م.

Battaly, Heather D

عنوان و نام پدیدآور: فضیلت: بررسی‌هایی اخلاقی و معرفت‌شناختی/نویسنده هتر باتلی؛ مترجم امیرحسین خداپرست؛ ویراستار مالک حسینی.

مشخصات نشر: تهران: نشر کرگدن، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: 978-600-99961-9-3

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Virtue, c2015.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

موضوع: صفات حمیده

Virtues موضوع

شناسه افزوده: خداپرست، امیرحسین، ۱۳۶۳ - ، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ف۶۲ ب/۱۵۲۱ BJ

رده بندی دیویی: ۱۷۹/۹

شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۳۲۰۴۸

---

# فضیلت

بررسی‌های اخلاقی و معرفت‌شناختی

هتر باتلی

ترجمه

امیرحسین خداپرست



نشر کرگدن



نشر کرگدن

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.  
نشر کرگدن: تهران، صندوق پستی ۱۷۱۶-۱۳۱۴۵  
[www.kargadanpub.com](http://www.kargadanpub.com)  
[telegram.me/kargadanpub](https://telegram.me/kargadanpub)

مجموعه از منظر اخلاقی - ۱

دبیر مجموعه: امیرحسین خداپرست

(عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)

فضیلت: بررسی های اخلاقی و معرفت شناختی

نویسنده: هتر باتلی

مترجم: امیرحسین خداپرست (عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران)

ویراستار علمی: مالک حسینی

ویراستار زبانی: شادی جاجرمی زاده

مدیر هنری: سحر ترهنده

ناظر چاپ: علی محمدپور

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ و صحافی: نقش جوهر

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۹۹۶۱-۹-۳

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰۰ تومان

## یادداشت دبیر مجموعه

نگریستن به جهان از منازری متفاوت میسر است. از هر یک از این مناظر، می‌توان جوهری از جهان را مشاهده کرد که خاص آن منظر است. علم ما را با جهان تجربی پیوند می‌دهد، فلسفه دریچه‌ای به سوی بنیان‌ها و ضرورت‌های جهان می‌گشاید و حقوق چشم ما را متوجه قواعد قوام‌بخش زندگی جمعی می‌کند. تغییر منظرها در مواجهه با پدیده‌های جهان امری عادی است، به گونه‌ای که در زندگی روزمره، گاهی بی‌آنکه متوجه باشیم، خود را در چشم‌اندازهایی متفاوت به پدیده‌ای واحد قرار می‌دهیم. در این میان، یک منظر هست که چنان بنیادین جلوه می‌کند که گویی هرگز نمی‌توانیم آن را نادیده بگیریم و از پس ذهن خود بزداییم: اخلاق.

در عالم نظر، منظر اخلاقی همیشه با ماست و نه تنها با ماست بلکه می‌تواند ملزمان کند که به آن اولویت دهیم: ارزیابی مؤثری از فعالیت‌های علمی داشته باشیم، دیدگاه‌های فلسفی را نقد کنیم و از این بحث کنیم که اعمال کدام قوانین درست یا نادرست است. در عالم عمل، وقتی از منظر اخلاقی به امور می‌نگریم، احساس می‌کنیم بی‌واسطه به عمل برانگیخته می‌شویم: قدری غریب می‌دانیم که ساخت سلاح‌های کشتار جمعی را نادرست بدانیم ولی به کارمان در مرکزی علمی که هدفش طراحی چنین سلاح‌هایی است ادامه دهیم؛ مدافع کرامت انسانی باشیم ولی دیدگاه‌هایی فلسفی را اشاعه دهیم که مستلزم تبعیض و تحقیر نژادی‌اند؛ و از مردم سالاری دفاع کنیم ولی خواهان حقی ویژه برای صنف خود باشیم. منظر اخلاقی، به‌خودی‌خود، برانگیزاننده و مقتضی عملی متناسب با اندیشه اخلاقی ماست.

با در نظر داشتن این نکات، مجموعه «از منظر اخلاقی» با دو هدف همبسته طراحی

شده است: نخست، کمک کند اندیشه‌هایمان را در زمینه اخلاق بکاویم و بکوشیم آنها را روشن‌تر و سازگارتر کنیم تا بتوانیم به امور اخلاقی ذی‌ربط نگاهی جامع‌تر و دقیق‌تر بیندازیم؛ دوم، کمک کند برای نگرستن از منظر اخلاقی به امور و برانگیخته شدن بر اساس آن شور و شوقی بیشتر و عزمی استوارتر داشته باشیم. آثار اخلاقی گذشتگان و معاصران، چه در حوزه‌هایی انتزاعی‌تر همچون فرااخلاق و نظریه اخلاق چه در حوزه‌هایی انضمامی‌تر همچون اخلاق کاربردی و روان‌شناسی و جامعه‌شناسی اخلاق، می‌توانند در دستیابی به این اهداف مؤثر و سودمند باشند. از این رو، این مجموعه میزبان آثار متنوع تألیفی و ترجمه‌ای است که همگی یک وجه مشترک دارند: دعوتی هستند به نگرستن «از منظر اخلاقی».

امیرحسین خداپرست

## فهرست

|     |                                                         |
|-----|---------------------------------------------------------|
| ۱   | مقدمه مترجم                                             |
| ۹   | سپاسگزاری                                               |
| ۱۳  | ۱. فضیلت چیست؟                                          |
| ۱۳  | ۱-۱. تعریفی مقدماتی از فضیلت                            |
| ۲۳  | ۱-۲. دو مفهوم کلیدی از فضیلت                            |
| ۴۹  | ۱-۳. آیا باید یکی از دو مفهوم کلیدی را انتخاب کنیم؟     |
| ۵۳  | ۱-۴. چرا باید دغدغه فضایل داشته باشیم؟                  |
| ۵۷  | ۲. غایات مهم‌اند: فضایل به غایات یا آثار خوب می‌انجامند |
| ۶۱  | ۲-۱. فضایل به غایات خوب می‌انجامند: قسم غایت‌شناختی     |
| ۸۹  | ۲-۲. فضایل به آثار خوب می‌انجامند: قسم غیرغایت‌شناختی   |
| ۹۴  | ۲-۳. بخت و اقبال در دستیابی به غایات یا آثار            |
| ۹۹  | ۳. انگیزه‌ها مهم‌اند: فضایل مستلزم انگیزه‌های خوب‌اند   |
|     | ۳-۱. فضایل مستلزم انگیزه‌ها-و-اعمال-خوب‌اند، اما مستلزم |
| ۱۰۵ | رسیدن به غایات خوب هم هستند؟                            |
|     | ۳-۲. فضایل مستلزم انگیزه‌ها-و-اعمال-خوب-و-دستیابی-      |
| ۱۱۶ | به-غایات-خوب هستند: لیندا زگربسکی                       |
|     | ۳-۳. فضایل مستلزم انگیزه‌ها-و-اعمال-خوب-هستند-نه-       |
| ۱۲۲ | رسیدن-به-غایات-خوب: مونتمارکت و اسلوت                   |
| ۱۳۱ | ۳-۴. اشکال‌ها                                           |



۴. ردیلت و ناکامی در فضیلت ----- ۱۳۹
- ۴-۱. غایات مهم‌اند: ردایل به غایات یا آثار بد می‌انجامند ----- ۱۴۲
- ۴-۲. انگیزه‌ها مهم‌اند: ردایل مستلزم انگیزه‌های بدند ----- ۱۴۹
- ۴-۳. ضعف اراده و ردیلت ----- ۱۶۰
- ۴-۴. خویشتنداری و فضیلت ----- ۱۶۵
۵. فضیلت، عمل درست، و معرفت ----- ۱۷۱
- ۵-۱. مؤلفه‌های فضایل ----- ۱۷۳
- ۵-۲. آیا مؤلفه‌های فضیلت اخلاقی برای عمل درست لازم و کافی‌اند؟ ----- ۱۷۶
- ۵-۳. آیا مؤلفه‌های فضیلت فکری برای معرفت لازم و کافی‌اند؟ ----- ۱۸۹
۶. فضیلت و زندگی خوب ----- ۲۰۵
- ۶-۱. زندگی خوب: برخی شاخص‌ها ----- ۲۰۷
- ۶-۲. زندگی خوب: تبیین‌های اصلی ----- ۲۱۰
- ۶-۳. آیا فضیلت برای زندگی خوب کافی است؟ ----- ۲۱۳
- ۶-۴. آیا فضیلت برای زندگی خوب لازم است؟ ----- ۲۲۱
۷. چگونه می‌توانیم فضیلت‌مند شویم؟ ----- ۲۳۳
- ۷-۱. خوگیری ----- ۲۳۴
- ۷-۲. اشکال‌ها ----- ۲۳۹
- ۷-۳. راهبردهایی برای اکتساب فضیلت‌های فکری در کلاس‌های -----  
دانشگاه ----- ۲۴۵
- منابع ----- ۲۶۱
- نمایه ----- ۲۶۹

## مقدمه مترجم

در خود بنگریم و پیش از نگرستن به منافع شخصی مان، در پی حکمت و فضیلت باشیم ... برترین خیر برای آدمی گفت‌وگوی روزانه درباره فضیلت است (سقراط، دفاعیه).

سقراط در جامعه‌ای بر کاوش در فضیلت و رذیلت تأکید می‌کرد که سخن‌پردازی و لفاظی درباره انواع مسائل اخلاقی، فلسفی و طبیعی، از جمله مسئله فضیلت و رذیلت، سکه رایج بود. آنچه او شهروندان آتن را بدان فرا می‌خواند گفت‌وگو و تأمل نقادانه در فضیلت‌ها و رذیلت‌ها بود، فارغ از هیاهویی که عالم‌نمایان پیرامون آنها بر پا می‌کردند. آنان در ظاهر از فضیلت می‌گفتند، اما در عمل به عواید و منافع چشم داشتند که سخن‌پردازی‌شان در این مسائل برایشان به بار می‌آورد. گمان می‌کنم جامعه ما نیز دستخوش چنین وضعیتی است. درباره فضیلت و رذیلت سخن فراوان گفته می‌شود، اما اغلب به نظر می‌رسد آنچه گفته می‌شود بر تصوراتی محدود، یک‌سویه و غیرنقدانه از فضیلت مبتنی است. تصور بر این است که ۱. فضیلت و رذیلت موضوعی مربوط به اخلاق فردی و مواعظ منبری است و سخن گفتن از آن از منظر فلسفی نابجا و بی‌حاصل

است. ۲. فضیلت‌ها و رذیلت‌های اخلاقی صرفاً در زندگی فردی تأثیرگذارند و پیامدهای غیرفردی ندارند. ۳. فضیلت از اموری است که می‌توان یک‌سویه درباره آن سخن گفت و دیگران را تعلیم داد. ۴. شناخت ما (اعم از گوینده و شنونده) از فضیلت‌ها و رذیلت‌ها کافی است و مشکل فقط در انگیزش و اراده ما است. ۵. آن‌قدر از فضیلت و رذیلت گفته‌اند که بحث بیشتر درباره آن ما را بیش از گذشته اخلاق‌زده می‌کند و موجب می‌شود، در عمل، از مفاهیم اخلاقی، از جمله فضیلت و رذیلت، روی‌گردان شویم. در اینجا، می‌کوشم به اجمال نشان دهم که همه این تصورات نادرست است. ۱. درست است که در جامعه ما کلمات فضیلت و رذیلت بیش از همه در قالب مواعظ اخلاقی و از منابر شنیده می‌شود، اما این فقط نشان می‌دهد که ما به ابعادی مهم از فضیلت و رذیلت بی‌توجه بوده‌ایم و آن را در قالبی خاص محدود کرده‌ایم. این قالب چنان فراگیر است که برخی استادان و پژوهشگران فلسفه اخلاق را نیز به این گمان انداخته است که بحث فلسفی از فضیلت و رذیلت به آنچه در سنت اخلاقی یونان باستان و، متأثر از آن، دوران نخستین فرهنگ اسلامی آمده محدود می‌شود و بین آنها و مسائل جدید فلسفی-اخلاقی ارتباطی وجود ندارد. انبوه مطالبی که در دهه‌های اخیر درباره فضیلت نوشته شده و به بررسی آن از منظر فلسفی، علمی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و ادبی-روایی اختصاص یافته نشان می‌دهد این تصور تا چه حد اشتباه است.

بحث از فضیلت و رذیلت نه تنها در قالب وعظ و خطابه منبری نمی‌گنجد، بلکه این رویین‌ترین نحوه بحث از آنها است که خود از سرچشمه نظرگاه‌های متفاوت به این مفاهیم سیراب می‌شود. تعجبی ندارد که در غیاب نظرگاه‌های گوناگون فلسفی، علمی و ادبی درباره فضیلت و رذیلت، مواجهه ما با آنها در حصار تنگ محصور شده است و انتظار داریم از فضیلت و رذیلت جز از فراز منابر نشنویم. توجه به سنتی که در دهه‌های

اخیر در قالب فضیلت‌گرایی اخلاقی شکل گرفته و مطالعه آثار متفکران در این باره ما را از این گمان خام به در خواهد آورد. در پرتو این نگاه تازه، در خواهیم یافت فضیلت مسئله‌ای است که دست‌کم سنجش فلسفی آن از حیث مبانی و معانی فرااخلاقی و هنجاری و کاربردی، سنجش علمی آن از حیث خاستگاه‌های زیستی و نسبت‌هایش با پدیده‌های عصب‌شناختی، سنجش روان‌شناختی و جامعه‌شناختی آن از حیث نحوه شکل‌گیری‌اش در روان فرد، جایگاهش در میان ساحت‌های درونی او، تأثیرپذیری‌اش از عوامل اجتماعی و اثرگذاری‌اش در گروه‌های کوچک و بزرگ اجتماع، و سنجش ادبی-روایی آن از حیث شناخت بهترش از طریق ادبیات مکتوب و نمایشی لازم است. از پس این سنجش‌ها است که مواظ اخلاقی معطوف به فضیلت و رذیلت می‌توانند عمیق‌تر باشند و تأثیری ماندگارتر بر مخاطبان بگذارند.

۲. فضیلت‌ها و رذیلت‌ها در درجه نخست به فرد فرد آدمیان مربوط‌اند، اما این مانع از آن نیست که نحوه شکل‌گیری‌شان در درون اجتماع را بررسی و تأثیرگذاری جمعی‌شان را نیز جدی بگیریم. فضیلت و رذیلت، همچون دیگر مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی، اموری برخاسته از جامعه‌اند، بدین معنا که تصور افراد از آنها در درون جامعه و از پس تجربه‌ها و آموخته‌های ذی‌ربطشان شکل می‌گیرد. از سوی دیگر، دامنه تأثیرگذاری آنها نیز از فرد فراتر می‌رود. افراد، در مواجهه با یکدیگر، منش و عادات خود را آشکار می‌کنند، با آنها بر دیگران اثر می‌نهند و از طریق آنها، خودآگاه یا ناخودآگاه، دیگران را تغییر می‌دهند و دامنه این تغییرها نهایی ندارد و در عرض اجتماع و طول تاریخ گسترش می‌یابد.

از این گذشته، در نظر داشته باشیم که برخی تغییرهای بزرگ اجتماعی از توجه اجتماع به منش فضیلت‌مندانه یا رذیلت‌مندانه اشخاص پدید آمده‌اند. بخش قابل توجهی از آنچه کسانی چون مهاتما گاندی و نلسن ماندلا را برای

جوامعشان جذاب کرد و به الگویی برای حرکت و تغییر بدل ساخت منش فضیلت‌مندانۀ آنان بود. این بدان معنا نیست که همه پدیده‌های اجتماعی به فضیلت‌ها و رذیلت‌های فردی تقلیل‌پذیرند. منظور این است که منش فردی در جای خود نفوذ و تأثیرگذاری جمعی‌اش را دارد و تغییر در منش افراد در خود آنان منحصر نمی‌ماند. احتمالاً به همین دلیل است که برخی از بزرگ‌ترین متفکران تاریخ، و در رأس همه سقراط، ما را، حتی برای مقاصد جمعی، به تأمل شخصی فرا می‌خوانند.

اما این یگانه طریق دفاع از اهمیت اجتماعی فضیلت و رذیلت نیست. فضیلت‌ها و رذیلت‌ها اینک نه فقط به افراد، بلکه به نهادها و روابط اجتماعی نیز نسبت داده می‌شوند. چنان‌که دیگر مفاهیم اخلاقی، همچون خوبی، را به نهادها و روابط اجتماعی نسبت می‌دهیم، می‌توانیم از شغل، گروه علمی، جمعیت، سازمان و دانشگاه فضیلت‌مند نیز سخن بگوییم؛ می‌توانیم مناسبات جمعی را نیز فضیلت‌مندانۀ یا رذیلت‌مندانۀ بخوانیم، و این همه امروزه در زمرۀ تحقیقات درباره فضیلت و رذیلت می‌گنجد. بنابراین، از یک سو، گمان بر این است که دامنه تأثیر فضیلت‌ها از زندگی‌های فردی فراتر می‌رود و پهنۀ اجتماع را در بر می‌گیرد، تا جایی که برخی فضیلت‌ها، همچون اعتماد، در ذات خود از فرد برمی‌گذرند و قوام‌بخش جامعه‌اند. از سوی دیگر، شکل‌گیری فضیلت‌های فردی تا حد زیادی نیازمند شکل‌گیری اجتماعی است که نهادها و مناسبات رایجش فضیلت‌پرور باشد، به گونه‌ای که افراد برای اکتساب منش فضیلت‌مندانۀ به رنج و تعب نیفتند. می‌توان گفت، بدین معنا، وجه فرافردی فضیلت یا رذیلت بر وجه فردی آن تقدم دارد.

۳. تلقی یک‌سویه از فضیلت بحث از آن را به شدت آسیب‌پذیر کرده است. ما به طور سنتی به این خو گرفته‌ایم که فضیلت‌ها و رذیلت‌ها اموری‌اند که باید آنها را از طریق گفتار یک‌سویه فردی متفاوت با خود بشناسیم و با درس‌آموزی از آن گفتار را در زندگی‌مان بگنجانیم. روش سقراط، که آموزگار

اصیلِ فضیلت است چنین نیست. آموزش او اساساً مبتنی بر گفت‌وگو است و از بطن گفت‌وگو درمی‌آید. این گفت‌وگو صوری و یک‌جانبه نیست؛ پدیده‌ای است که در آن طرفِ مقابل همان‌قدر در اظهار نظر و پرسش آزاد و محق است که طرفِ نخست. به علاوه، هر دو سوی گفت‌وگو به یک میزان آمادۀ یادگیری‌اند. تلقی سقراط این نیست که در حال تعلیم دیگری است؛ او بر این گمان است که خود نیز در حال یادگیری است، نه در موضع القا و تلقین. هر دو سوی گفت‌وگو می‌کوشند از درون تعریف‌ها، استدلال‌ها و نقض و ابرام‌ها راهی به سوی فهم چپستی و چگونگی فضیلت‌ها و رذیلت‌ها بیابند. این شیوۀ گفت‌وگو خود برخاسته از فضیلت است و مظهر گشودگی ذهنی و حقیقت‌جویی است.

۴. زندگی اخلاقی معطوف به عمل است و، از این‌رو، نیازمند پرورش انگیزش‌های مناسب است. این نکته‌ای است که نظریۀ فضیلت نیز بر آن تأکید دارد. اما لازمۀ پرورش این انگیزش‌ها در خود شناخت فضیلت‌ها و رذیلت‌ها و مهارت‌های مرتبط با آنها است. به عبارت دیگر، لازم است، نخست، درکی مناسب از فضیلت‌ها و رذیلت‌ها داشته باشیم و بدانیم واجد چه مؤلفه‌ها و پیامدهایی هستند و، دوم، مهارت‌های لازم را برای فضیلت‌مند بودن بیاموزیم و کاربردشان را از طریق ممارست برای خود آسان کنیم. اینکه در جامعه ما از فضیلت و رذیلت فراوان سخن می‌گویند بدین معنا نیست که ما شناختی درست از این مفاهیم داریم. برای نمونه، تصور ما از فضایل عمدتاً به فضیلت‌های اخلاقی محدود می‌شود، در حالی که برخی نظریه‌پردازان فضیلت به درستی خاطرنشان می‌کنند اهمیت فضیلت‌های فکری به هیچ وجه کمتر از فضیلت‌های اخلاقی نیست. از این‌رو، خواستِ اخلاقی بودن صرفاً به معنای خواستِ آراسته شدن به فضیلت‌های اخلاقی نیست و فاعل اخلاقی فضیلت‌مند باید بکوشد خود را به فضیلت‌های فکری نیز آراسته کند، زیرا، نخست، فضیلت‌های فکری قسمی از فضیلت‌های

اخلاقی‌اند و، دوم، برخی فضیلت‌های اخلاقی چنان با فضیلت‌های فکری درآمیخته‌اند که تحقیقشان آراستگی نسبی به فضیلت‌های فکری را لازم می‌آورد. به بیان دقیق‌تر، فضیلت‌مند بودن از نظر فکری لازمهٔ فضیلت‌مند بودن از نظر اخلاقی است. اما، به‌واقع، ما چه شناختی از فضیلت‌های فکری داریم و تا چه حد آمادگی هضم این نکته را داریم که از نظر اخلاقی موظف‌ایم واجد‌گشودگی ذهنی، فروتنی معرفتی، انصاف فکری، خودآیینی فکری باشیم و اقتضاهایشان را برآوریم؟

علاوه بر این، می‌توان پرسید با وجود همهٔ سخن‌پردازی‌ها و زبان‌آوری‌ها، شناخت ما از فضیلت‌های اخلاقی سنتی چگونه است. آزمایشی ساده است که خود را واداریم به کمک همهٔ آموخته‌های خانوادگی و تحصیلی و مدنی‌مان، دربارهٔ صداقت، انصاف، شجاعت، فروتنی، خویشتنداری، پاکدامنی و شرافت چند صفحه‌ای بنویسیم و ببینیم واقعاً از این امور چه تصویری داریم. تردیدی ندارم که بسیاری از ما، حتی تحصیل‌کردگان و سخنورانِ ما، بیش از چند سطر نمی‌توانیم کلام محصل و روشنی بنویسیم. بگذریم از اینکه شناخت فضیلت دیگر است و شناخت مهارت‌های مرتبط با آن دیگر. با این شناخت از آنچه شبانه‌روز بدان دعوت می‌شویم، چه انتظاری داریم که بتوانیم برای معرفی فضیلت به دیگران یا برانگیختن آنان به عمل فضیلت‌مندان گامی استوار برداریم؟ نتیجه‌ای که می‌گیرم این است که در شناخت تجربی و عقلی فضیلت و ردیلت هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم و راهی دراز در پیش داریم. برای پیمودن این راه باید شناخت‌مان را از فضیلت و ردیلت، همچون انگیزش‌هایمان، بپالاییم.

۵. درازگویی دربارهٔ فضیلت و ردیلت در جامعهٔ ما بسیار بوده است. همین درازگویی‌های بی‌پایان است که ما را دچار گونه‌ای اخلاق‌زدگی کرده است، در حالی که اغلب نه شناخت نظری درستی از اخلاق و اخلاقی بودن داریم نه زندگی عملی‌مان، در سطح فردی یا اجتماعی، اخلاقی و تحسین‌برانگیز

به چشم می‌آید. راه‌هایی از این وضعیت روی‌گردانی از اخلاق و مفاهیم اخلاقی نیست، بلکه جدی گرفتن و بازپروری دغدغه آنها است. در این راه می‌توانیم از آنچه دیگران درباره فضیلت و رذیلت گفته‌اند بیاموزیم و به کمک این آموخته‌ها تصویر پیشینمان را از این مفاهیم بازنگریم. در این صورت، سخن گفتن از فضیلت و رذیلت نه تنها ملال‌آور و تکراری نخواهد بود، بلکه به دغدغه‌ای جدی، همگانی و تأثیرگذار بدل خواهد شد.

این کتاب با نظر به همین نکات ترجمه شده است و گمان می‌کنم، فارغ از صدق دعاوی‌اش، می‌تواند در خدمت اصلاح تصویر ما از فضیلت و رذیلت باشد. هتر باتلی، استاد فلسفه دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در فولرتون، از متفکران و نویسندگان بنام در نظریه فضیلت است. او در این کتاب به زبانی بسیار ساده، روشن و بدیع از چیستی فضیلت و رذیلت سخن می‌گوید، مهم‌ترین نظریه‌ها را درباره آنها برمی‌رسد، از نسبت فضیلت با عمل، معرفت و زندگی خوب می‌گوید و، در پایان، از این بحث می‌کند که چگونه می‌توانیم فضیلت‌مند شویم. با توجه به اینکه باتلی در همه اینها هم به فضیلت و رذیلت اخلاقی هم به فضیلت و رذیلت فکری نظر دارد، گمان می‌کنم کتاب از حیث جمع میان سادگی بحث و کامل بودنش در زبان فارسی بی‌نظیر است.

خوشحال‌ام که با انتشار ترجمه فضیلت هتر باتلی بر غنای کتابخانه نظریه فضیلت در زبان فارسی قدری افزوده می‌شود. اگر مترجم سهمی در این غنا داشته باشد، کامیابی خود را مرهون لطف و مساعدت دکتر مالک حسینی، ویراستار علمی کتاب، و دست‌اندرکاران نشر کرگدن می‌داند که انتشار کتاب را میسر ساختند. از همه آنان صمیمانه سپاسگزارم.

امیرحسین خداپرست

پاییز ۱۳۹۶



## سپاسگزاری

صمیمانه قدردان حمایت و تشویق همکاران، دانشجویان، دوستان و خانواده‌ام هستم، هم داخل رشته فلسفه هم خارج از آن. مایل‌ام از اِما هاجینسن<sup>۱</sup>، دبیر «مجموعه مفاهیم کلیدی فلسفه انتشارات پالیتی»<sup>۲</sup> تشکر کنم که حمایت‌هایی فوق‌العاده از من کرده است. من از بصیرت، شور و شوق، بردباری و سهل‌گیری او بسیار بهره‌مند شده‌ام. دبیر مجموعه‌ای بهتر از او پیدا نمی‌شود. داوران انتشارات پالیتی برای طرح کتاب فضیلت پیشنهادهایی عالی داشتند و این پیشنهادها نسخه اولیه را شکل داد. قدردان اندیشه‌های آنان هستم. دو داور نسخه اولیه را به‌طور کامل خواندند. آنها بابت زمانی که گذاشتند، زحمتی که کشیدند، نظرات خیلی خوبی که دادند و حمایتی که از این طرح پژوهشی کردند، واقعاً حق بزرگی بر دمه من دارند. فصل نخست از نظرات عالی شرکت‌کنندگان در «سمینار فضیلت‌های فکری و برنامه تعلیم و تربیت»<sup>۳</sup> در دانشگاه لایولا مریمونت<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) بهره برده است. من به‌طور خاص از جیسن بئر<sup>۵</sup>، میندی بیر<sup>۶</sup>، کرن بولین<sup>۷</sup>، کیت

1. Emma Hutchinson

2. Key Concepts in Philosophy Series at Polity

3. Intellectual Virtues and Education Project Seminar

4. Loyola Marymount University

5. Jason Baehr

6. Mindy Beier

7. Karen Bohlin

الجین<sup>۱</sup>، استیو پورتر<sup>۲</sup>، ران ریچهارت<sup>۳</sup>، وین ریگز<sup>۴</sup>، امیلی رابرتسن<sup>۵</sup>، استفن شربلام<sup>۶</sup> و هاروی سیگل<sup>۷</sup> سپاسگزارم. از همه شما بابت نظرها و تشویق‌هایتان متشکرم.

همکاران و دانشجویانم در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در فولرتون<sup>۸</sup> به‌طور شگفت‌انگیزی حامی من بوده‌اند. به‌ویژه از همکارانم مریل رینگ<sup>۹</sup> و کریگ ایهارا<sup>۱۰</sup>، و دانشجویانم نهال بحری<sup>۱۱</sup> و مارتا متلاک<sup>۱۲</sup> متشکرم که همگی درباره فصل‌های این کتاب پیشنهادهایی برای من داشتند. همچنین، از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا در فولرتون بابت حمایت از این طرح پژوهشی از طریق اعطای کمک‌هزینه و فرصت مطالعاتی متشکرم. علاوه بر این، مفتخر شدم به دریافت کمک‌هزینه‌ای از «طرح بنیاد اسپنسر در زمینه فلسفه در سیاست‌ها و فعالیت‌های تعلیمی و تربیتی»<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۱) که پشتیبان فصل هفتم پژوهش بود.

صمیمانه قدردان قهرمان‌های فلسفی‌ام هستم: نیرا بدوار<sup>۱۴</sup>، کیت الجین، کریستین سوانتن<sup>۱۵</sup>، لیزل ون‌زیل<sup>۱۶</sup> و به‌طور خاص، لیندا زگزیسکی<sup>۱۷</sup>. سپاسگزارم بابت هم‌صحبتی با شما، نظریاتان درباره فصول مختلف، تشویق‌ها و حمایت‌هایتان و، به‌طور کلی، اینکه این قدر خوب‌اید. به‌ویژه، لیندا حق بزرگی بر دمه من دارد. او کمک کرد من هویتم را در مقام یک فیلسوف شکل دهم، و من احساس می‌کنم بختیار و خوش‌اقبال بوده‌ام که می‌توانم او را عضوی از خانواده فلسفی خود به شمار آورم. همچنین، مرهون خواهران و برادران فلسفی‌ام امی کاپلن<sup>۱۸</sup> و جیسن بئر و وین ریگز

1. Kate Elgin

4. Wane Riggs

7. Harvey Siegel

10. Craig Ihara

13. Spencer Foundation's Initiative on Philosophy in Educational Policy and Practice

14. Neera Badhwar

17. Linda Zagzebski

2. Steve Porter

5. Emily Robertson

8. Cal State Fullerton

11. Nahal Bahri

15. Christine Swanton

18. Amy Coplan

3. Ron Ritchhart

6. Stephen Sherblom

9. Merrill Ring

12. Martha Matlock

16. Liezl van Zyl

هستم که همواره منبع الهام و تحسین و دلگرمی‌اند. من باز هم از آثار و شیوه‌های فلسفه‌ورزی‌شان خواهم آموخت. بالیدن در این رشته در کنار هر سه آنها برای من افتخار بوده است. نوع فلسفه و فلسفه‌ورزی مرا استادانم در دوره تحصیلات تکمیلی، ویلیام آلستن<sup>۱</sup> و مایکل استاکر<sup>۲</sup>، شکل داده‌اند. هیچ میزان، مقیاس یا شکلی از قدردانی از آنان در اینجا حق مطلب را ادا نمی‌کند. امیدوارم این کتاب از آن دست آثار فلسفی باشد که مایه مباهاتشان شود.

در پایان، قدردان دلگرمی‌های دوستان و خانواده‌ام هستم. متشکرم از اینکه به کار من می‌بالید. به‌ویژه، از جسیکا کلینگزبرگ<sup>۳</sup> و کیتی کروزر<sup>۴</sup> متشکرم که اندیشه‌هایشان را درباره فصل چهارم با من در میان گذاشتند. صمیمانه‌ترین سپاس‌های من نثار کلیفرد رات<sup>۵</sup>، که کتاب را خط‌به‌خط خواند، در مثال‌ها مشاور من بود و فیلسوف شدن و، از بسیاری جهات، انسان شدن را برای من میسر کرد. بخت با من یار بوده است که او را در کنار خود دارم.

1. William Alston  
3. Jessica Klingsberg  
5. Clifford Roth

2. Michael Stocker  
4. Katie Kruse

برای کلیفرد سميوئل رات، با عشق، ستایش و قدردانی  
(نویسنده)

به احترام سه نسل از یک خاندان فضیلتمند:  
یدالله سحابی، عزت‌الله سحابی، هاله سحابی  
(مترجم)

## فضیلت چیست؟

### ۱-۱. تعریفی مقدماتی از فضیلت

فضیلت چیست و فضایل چه تفاوت‌هایی با رذایل دارند؟ برای اینکه تعریف فضیلت را آغاز کنیم، بیاید دربارهٔ کسانی بیندیشیم که خوب می‌شناسیمشان، یعنی دوستانمان. کدام یک از خصوصیت‌های آنها فضیلت به شمار می‌آید؟ چه خصوصیتی دارند (نه فقط در مقام دوست، بلکه به طور کلی در مقام انسان) که آنها را در زمرهٔ نمونه‌های آشکار فضیلت می‌آوریم؟ ممکن است این پاسخ معقول را بدهیم که دوستان ما، برای مثال، صادق، باهوش، منصف، قابل‌اتکا، دلیر، سخاوتمند، گشوده‌ذهن<sup>۱</sup> یا بامزه‌اند. یا اینکه: از زندگی لذت می‌برند، زود تسلیم نمی‌شوند، دغدغهٔ دیگران را دارند، از خود و دیگران دفاع می‌کنند، تشخیص خوبی دارند، توصیه‌های خوبی می‌کنند یا می‌دانند دیگران کی ناراحت‌اند و چگونه می‌توان حالشان را بهتر کرد. گاهی فیلسوفان همهٔ این خصوصیات را فضیلت به شمار آورده‌اند. عموم افراد بر این گمان‌اند که برخی از این خصوصیات - شجاعت (دلیری)، عدالت (انصاف)، خویشتنداری (لذت

1. open-minded

بردن از زندگی) و حکمت (که با تشخیص خوب و توصیه‌های خوب مرتبط است) - فضیلت‌اند. این خصوصیات در فهرست‌هایی از فضایل آمده‌اند که فیلسوفان باستان، مانند افلاطون و ارسطو، فیلسوفان اوایل دوران جدید، مانند دیوید هیوم، و فیلسوفان معاصر، مانند رزالیند هرستهاوس<sup>۱</sup> و لیندا زگربسکی، به دست داده‌اند. خصوصیات دیگری - مانند شوخ‌طبعی (بامزه بودن) در برخی فهرست‌ها (فهرست‌های ارسطو و هیوم) آمده‌اند ولی در دیگر فهرست‌ها نیستند. به همین شکل، گشودگی ذهنی در برخی فهرست‌ها (فهرست زگربسکی) آمده، ولی در دیگر فهرست‌ها نیامده است. هر تعریف اولیه از فضیلت (تعریفی که کار نخستش تمیز فضیلت از رذیلت است) باید آن‌قدر موسّع باشد که همه خصوصیت‌های بالا را دربرگیرد. تمایزهای ظریف‌تر میان انواع متفاوت فضیلت را می‌توان پس از آن مطرح کرد که تعریفی مقدماتی<sup>۲</sup> از فضیلت به‌طور کلی به دست داده باشیم.

از آنجا که ما دوستان همدیگر را نمی‌شناسیم، بگذارید برخی نمونه‌های آشنا از چهار خصوصیت از موارد پیش‌گفته را بررسی کنیم: باهوشی، همدلی<sup>۳</sup> (که مرتبط است با دغدغه داشتن<sup>۴</sup> نسبت به دیگران و دانستن اینکه چه هنگام ناراحت‌اند)، گشودگی ذهنی و شجاعت.

نخست، چنان‌که می‌گویید، هرمانینی گرنگر<sup>۵</sup>، یکی از شخصیت‌های مجموعه هری پاتر جی. کی. رولینگ<sup>۶</sup>، باهوش است. هرمانینی به این مفهوم باهوش است که انبوهی از واقعیت‌ها را می‌داند، که در مورد او «واقعیت‌هایی» دربارهٔ اوراد و تاریخ جادوگری‌اند. اما برای اهداف فعلی ما مهم‌تر این است که او بدین مفهوم هم باهوش است که قابلیت‌ها و مهارت‌های فکری اعتمادپذیری<sup>۷</sup> دارد. برای نمونه، حافظه‌ای عالی دارد و

1. Rosalind Hursthouse

3. empathy

5. Hermione Granger

7. reliable

2. working definition

4. caring

6. J. K. Rowling's *Harry Potter*

در حل مسائل منطقی ماهر است. هرماینی آن قدر در یادآوری واقعیت‌های مربوط به جادو خوب است که هم‌کلاسی‌هایش را (که حافظه‌شان این قدر خوب نیست) و حتی برخی معلمان‌ش را (که از رفتن به سراغ او خسته شده‌اند) آزرده می‌کند. حافظهٔ هرماینی در موفقیتش در مقام یک دانش‌آموز سهیم است: او در امتحاناتش نمره‌هایی عالی می‌گیرد. خارج از کلاس، حافظهٔ او بارها جان دوستانش را نجات داده است. برای مثال، در هری پاتر و سنگ جادو، هرماینی ران ویزلی<sup>۲</sup> را با یادآوری اینکه باید از کدام ورد علیه مار شیطانی استفاده کند نجات می‌دهد. هرماینی از مهارت‌هایش در منطق برای فهمیدن اینکه موجود محافظ تالار اسرار باسیلیسک<sup>۳</sup> است (هری پاتر و تالار اسرار<sup>۴</sup>) و اینکه پروفسور لوپین<sup>۵</sup> گرگ‌انسان<sup>۶</sup> است (هری پاتر و زندانی آزکابان<sup>۷</sup>) استفاده می‌کند. خصوصیات مانند حافظهٔ اعتمادپذیر و مهارت‌های منطقی در فهرست ارنست سوسا<sup>۸</sup> از فضیلت‌های فکری آمده‌اند. به نظر سوسا، این خصوصیات فضیلت به شمار می‌آیند چون به‌نحو اعتمادپذیری باورهای صادق تولید می‌کنند. در فصل دوم به نظریهٔ سوسا می‌پردازیم.

دوم، شخصیت تلویزیونی، دینا تروی<sup>۹</sup>، روان‌درمانگرِ خدمهٔ اینترنت‌پرایز<sup>۱۰</sup> در پیش‌تازان فضا: نسل بعدی<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۷-۱۹۹۴)، آشکارا شخصیتی همدل است. او در شناخت عواطف دیگران بی‌نظیر است: برای نمونه، می‌داند دیگران کی ناراحت، خوشحال، خشمگین، هراسان، ناامید یا عاشق‌اند.

1. *Harry Potter and the Sorcerer's Stone*

2. Ron Weasley

۳. basilisk؛ خزنده‌ای افسانه‌ای که مشهور است قدرتی دارد که می‌تواند با نگاهی انسان را از بین ببرد. -م-

4. *Harry Potter and the Chamber of Secrets*

5. Professor Lupin

6. werewolf

7. *Harry Potter and the Prisoner of Azkaban*

8. Ernest Sosa

9. Deanna Troi

10. *Enterprise*

11. *Star Trek: The Next Generation*

در مقام عضوی از گونه «همدلان»<sup>۱</sup> (تروی نیمه‌بتازدی<sup>۲</sup> است)، او توانایی احساس مستقیم احساسات اطرافیان را دارد. توانایی همدلی او برای تشخیص عواطف غریبه‌ها / اینترپرایز را از موقعیت‌های خطرناک بسیاری نجات می‌دهد و معلوم می‌شود در مذاکرات دیپلماتیک حیاتی است. تروی می‌تواند عواطف خدمه / اینترپرایز را هم به‌طور کلی احساس کند (می‌تواند روحیه کلی خدمه را بسنجد) و به عواطف خاص تک‌تک اعضا نیز پی ببرد. برای مثال، او تشخیص می‌دهد که دکتر بورلی کراشر<sup>۳</sup> عاشق شده است («قسمت میزبان»<sup>۴</sup>) و کاپیتان ژان‌لوک پیکاه غصه‌دار است (نسل بعدی، ۱۹۹۴)، هرچند که هر یک از این عواطف در اصل پنهانی‌اند. تروی حتی از توانایی‌های همدلانه‌اش برای کشف و حل معمای یک جنایت استفاده می‌کند (قسمت «چشم ناظر»<sup>۵</sup>). او دغدغه همکارانش را هم دارد و در مورد مشکلاتشان به آنها مشورت می‌دهد؛ می‌داند چه کند تا حال بهتری داشته باشند و بهتر شوند. البته که ما از مزایای روان‌شناسی بتازدی تروی بهره‌مند نیستیم و توانایی‌های همدلانه او بسی فراتر از توانایی‌های همدلانه ما می‌روند. اما همچنان از عهده سهم شدن در عواطف دیگران و دغدغه خوشبختی‌شان برمی‌آییم. برخلاف تروی، این کار گاهی نیازمند سعی و تلاش ما است: باید فعالانه عواطف کسی را تخیل کنیم که جنسیت یا نژادی متفاوت دارد یا در فرهنگی زندگی می‌کند که با فرهنگ ما متفاوت است. عواطف آنها همین‌جوری به سر ما نمی‌افتد. توانایی ما برای همدلی کردن احتمالاً هم بر سعی و تلاش ارادی ما برای برگرفتن منظری دیگر متکی است هم بر قابلیت‌های جبلّی<sup>۶</sup> ما برای تقلید از دیگران و انعکاس

1. empathis

۲. Betazoid: «همدل» و «بتازدی» به انواع و گونه‌های موجودات در سریال پیش‌تازان فضا اشاره دارد. -م.

3. Dr. Beverly Crusher

4. The Host

5. Capitan Jean-Luc Picard

6. Eye of the Beholder

7. hard-wired



دادن آنها. همدلی در اخلاق فضیلت مایکل اسلوت<sup>۱</sup> نقش محوری دارد. به نظر اسلوت، خصوصياتی مانند همدلی و دغدغه همدلانه<sup>۲</sup> فضیلت به شمار می‌آیند، زیرا متضمن انگیزه‌های اخلاقی ارزشمندند. در فصل سوم به نظریه اسلوت می‌پردازیم.

سوم، دکتر گرگوری هاوس<sup>۳</sup>، قهرمان سریال پزشکی دکتر هاوس<sup>۴</sup> (Fox, 2004-2012)، آشکارا بیماری‌شناسی<sup>۵</sup> عالی است. او موفقیت اعتمادپذیری دارد در تشخیص بیماری بیمارانی که هیچ‌کس دیگری نمی‌تواند بیماری‌شان را تشخیص بدهد. همچنین، به شدت مردم‌گریز است. او اغلب با بیماران و همکارانش بدتا می‌کند و معمولاً دروغ می‌گوید تا به خواسته‌اش برسد. هاوس نه دغدغه‌مند، صادق و عادل است نه خویشتندار (او به وایکودین<sup>۶</sup> اعتیاد دارد)، اما ظاهراً گشوده‌ذهن است. تقریباً در همه قسمت‌ها، هاوس تشخیص‌های محتمل را از گروهش می‌گیرد و بررسی می‌کند که آیا این تشخیص‌ها درست‌اند یا نه. در عین حال، حواسش جمع است که ممکن است تشخیص‌های خودش نادرست باشند. برای مثال، در قسمت «تیغ اکام»<sup>۷</sup> (۲۰۰۴)، هاوس و گروهش چند وضعیت را بررسی می‌کنند که ممکن است بیمارشان گرفتار آنها باشد: التهاب عضلات قلب (دکتر فورمن<sup>۸</sup>)، توده کارسینوئید (دکتر چیس<sup>۹</sup>)، حساسیت (دکتر کمرون<sup>۱۰</sup>) و ترکیبی از سینوزیت و کم‌کاری تیروئید (دکتر هاوس). وقتی ثابت می‌شود همه فرضیه‌های آنان (از جمله فرضیه خودش) نادرست‌اند، هاوس احتمال دیگری را هم در نظر می‌گیرد: اینکه بیمار، که نخستین نشانه بیماری‌اش سرفه بوده، از قضا داروی نادرستی برای سرفه‌اش گرفته بوده است (گروه می‌فهمد که تشخیص هاوس درست است و به بیمار قطره‌ای درمانی داده

1. Michael Slote

4. House M. D.

7. Occam's Razor

10. Dr. Cameron

2. empathic caring

5. diagnostician

8. Dr. Foreman

3. Dr. Gregory House

6. vicodin

9. Dr. Chase